

مطالعه تطبیقی ریخت‌شناسانه
قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر در
قرن‌های ۳-۷ ق/مق ۱۴۳-۱۵۵



بلندترین قندیل شیشه‌ای مصر
مأخذ: Tait, 1991, 134



مطالعه تطبیقی ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر در قرن‌های ۷-۳ ه.ق

معصومه زمانی سعدآبادی* فرناوش شمیلی**

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۹

صفحه ۱۴۳ تا ۱۵۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

شیشه‌گری از جمله هنرهای ارزنده سرزمین‌های ایران و مصر است که پیشینه آن به هزاران سال پیش می‌رسد. این هنر در طول دوران اسلامی با برخوردارگی از پیشینه تاریخی و هنری غنی وارد مرحله نوینی شد، به طوری که قرن‌های ۷-۳ ه.ق از مهم‌ترین عصرهای شیشه‌گری دوران اسلامی ایران و مصر محسوب می‌شود. با وجود پیشینه پر بار هنر شیشه‌گری ایران و مصر مطالعات در این حوزه کمتر مورد توجه واقع شده است. از این رو پژوهش حاضر در نظر دارد به مطالعه و بررسی تطبیقی نمونه‌قندیل‌های شیشه‌ای دوره اسلامی ایران و مصر بپردازد. شناخت بخشی از آثار شیشه‌ای این سرزمین‌ها و دستیابی به تشابه و تباین‌های آن با تمرکز بر بررسی عناصر تشکیل دهنده، فرم و ساختار کلی اجزا، نقوش و تزیینات تحت عنوان ریخت‌شناسی هدف این پژوهش می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال هاست: ۱- قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر به لحاظ ریخت‌شناسانه دارای چه ویژگی‌های بصری هستند؟ ۲- وجوه تفاوت و تشابه در ریخت‌قندیل‌های شیشه‌ای سرزمین‌های ایران و مصر در قرن‌های ۷-۳ ه.ق کدام است؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. نتایج حاکی از آن است قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر از عناصر ثابت بدنه، گردن، پایه و حلقه آویز و عناصر متغیر تزیینات و نقوش تشکیل یافته‌اند. فرم بدنه قندیل‌های شیشه‌ای مورد مطالعه گلدانی و شلجمی-کروی بوده و فرم گردن، استوانه‌ای و شیپوری است. پایه نیز در دو حالت مسطح و مرتفع توسط هنرمند شیشه‌گر در نظر گرفته شده است. حلقه‌های آویز شیشه‌ای در انواع مختلف بر روی بدنه و یا دهانه قندیل‌های شیشه‌ای مذکور افزوده شده است. با وجود شباهت‌هایی در ریخت‌قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر، تفاوت‌هایی در اجزای تشکیل دهنده آن‌ها اعم از عناصر ثابت و متغیر سبب تمایز قندیل‌های شیشه‌ای دو سرزمین ایران و مصر گشته است.

کلیدواژه‌ها

ریخت‌شناسی، شیشه‌گری دوران اسلامی، شیشه‌گری ایران و مصر، قندیل‌های شیشه‌ای، فرم و تزیینات.

* دانشجوی دکتری دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران

Email: mz375mz@gmail.com

Email: f.shamili@tabriziau.ac.ir

** دانشیار دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، (نویسنده مسئول)

مقدمه

مذکور به طور کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با رویکرد ریخت‌شناسانه بررسی و تطبیق یافته‌اند. در بخش نخست مقاله پس از مرور هنر شیشه‌گری ایران و مصر، تصاویر قندیل‌های شیشه‌ای مربوط به هر سرزمین بررسی شده و در بخش دیگر این آثار به لحاظ ریخت‌شناسی مورد تطبیق قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

تحلیل ریخت‌شناسانه آثار در حوزه ادبیات موضوع تازه‌ای نبوده و مقالات متعددی در این رابطه نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد که ریخت‌شناسی^۱ آراء و نظریات ولادیمیر پراپ^۲ را به عنوان رویکردی در تحلیل نمونه‌ها به کار گرفته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «ریخت‌شناسی فابل‌های مرزبان‌نامه» نوشته حسین صادقی و دیگران، سال ۱۳۹۵، شماره ۱۰ در دو فصلنامه علوم ادبی، مقاله «ریخت‌شناسی داستان‌های عاشقانه شاهنامه» نوشته زینب عرب‌نژاد، چاپ ۱۳۹۵ در شماره ۳ متن‌شناسی ادب فارسی، مقاله دیگری با عنوان «ریخت‌شناسی تطبیقی مقامه‌های فارسی و عربی» نوشته فائزه عرب یوسف‌آبادی و دیگران در سال ۱۳۹۳ و در شماره ۱ پژوهش‌های ادبیات تطبیقی و دیگر مقالات در دسترس. اما در حوزه مطالعات هنری تحقیق جامعی که قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر را از منظر ریخت‌شناسانه موضوع کاوش قرار دهد و از نظر فرم و تزیینات بررسی نماید مشاهده نگردید. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش مایه قندیل (تجلی نور) در فرش‌های ایرانی از عصر صفویه تا دوران معاصر» نوشته حسین کمندلو، چاپ نشریه آستان هنر در سال ۱۳۹۱، فرش‌های ایرانی دارای نقش قندیل مورد بررسی قرار گرفته و به یک نمونه از قندیل‌های شیشه‌ای ساخته شده در مصر اشاره شده است. در مقاله «مطالعه تطبیقی نقوش آبیگینه دوران سلجوقی ایران با فاطمیان مصر در سده‌های ۵ و ۶ هجری قمری» نوشته آرزو خانپور و نعیمه انزابی در شماره ۹ نشریه مطالعات تطبیقی هنر سال ۱۳۹۴، سی و چهار مورد از آثار شیشه‌ای ایران و مصر به لحاظ نقوش آن‌ها بررسی و خط تطبیقی بین آن‌ها ترسیم شده اما نمونه‌ای از قندیل‌های شیشه‌ای، مورد بررسی قرار نگرفته است. اسدالله معطوفی (۱۳۹۳) در کتاب «سفال و شیشه شهر تاریخی گرگان» به بررسی ویژگی‌های ظاهری شیشه گرگان مشتمل از قندیل‌ها، صراحی‌ها و گلدان‌های شیشه‌ای در قالب جداولی پرداخته است. گلدان‌های سیدنی‌ام (۱۳۸۷) در کتاب «کارهای شیشه» جلد دهم از مجموعه هنرهای اسلامی گردآوری ناصر خلیلی، پس از تعریف این هنر آثار شیشه‌ای مناطق مختلف را مورد بررسی و واکاوی قرار داده و از لحاظ

مصر از جمله سرزمین‌هایی است که همواره با ایران در ارتباط و تعامل بوده و در زمینه‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. این تعاملات و تأثیرگذاری‌های متقابل در مقاطع تاریخی مختلفی بر حسب شرایط حاکم بیشتر یا کمتر شده است. با توجه به نقش حیاتی جاده ابریشم و منتهی شدن این جاده به کناره دریای مدیترانه و مصر از یک سو، نقل و انتقال آثار هنری و مهاجرت هنرمندان از سویی دیگر روابط گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و هنری میان هر دو سرزمین از آغاز اسلام تا قرن‌های ۷-۶ ه‍.ق به وجود آمد که با آغاز جنگ‌های صلیبی و مناسبات سیاسی ایران و مصر به رکودی عظیم دچار شد. این تأثیر و تأثرات در زمینه هنر شیشه‌گری دو سرزمین مذکور نیز بازتاب داشته است. همچنین نقش بندر سیراف و تجارت آثار شیشه‌ای از طریق دریای سرخ میان ایران و مصر را نباید نادیده گرفت. ایران و مصر از جمله سرزمین‌های پیشگام هنر شیشه‌گری سهم بسیاری در جهت پیشبرد آن در دوران اسلامی داشته‌اند. اهداف این پژوهش شناخت بخشی از آثار شیشه‌ای دوران اسلامی سرزمین‌های ایران و مصر، ارائه تصویری کلی از ریخت‌قندیل‌های شیشه‌ای، تدقیق و تطبیق آن‌ها با رویکرد ریخت‌شناسانه است تا بدین ترتیب به وجوه تفاوت و تشابه قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر دست یابد. **سوال‌های این تحقیق عبارتند از:** ۱- قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر در قرون سوم تا هفتم هجری قمری دارای چه ویژگی‌های بصری هستند؟ ۲- قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر از نظر نوع فرم و تزیینات چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارند؟ از این رو پژوهش حاضر ۲۱ قندیل شیشه‌ای بر جای مانده از این قرن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. **اهمیت و ضرورت** این پژوهش از آن حیث است که هنر شیشه‌گری ایران و مصر را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا رهیافتی در مطالعه این هنر که کمتر مورد پژوهش واقع شده، باشد. همچنین این پژوهش از این جهت که فرم و تزیینات قندیل‌های شیشه‌ای هر دو سرزمین را بررسی می‌کند، در درک وجوه افتراق و اشتراک این آثار شیشه‌ای اهمیت دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای، بر حسب زمان گذشته‌نگر، از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای معتبر گردآوری شده است. جامعه آماری شامل ۱۲ نمونه از قندیل‌های شیشه‌ای ایران و ۹ نمونه از قندیل‌های شیشه‌ای مصر در محدوده زمانی قرون سوم تا هفتم هجری قمری می‌باشد. در این پژوهش تمام آثار



۱۳۸۹، ۵۶).

در ادبیات کلاسیک فارسی ریخت‌شناسی را برابر نهادند. هیأت‌شناسی دانسته‌اند. چنان‌که ناصر خسرو در جامع الحکمتین آورده است: «هیأت آن است که اشخاص بدان از یکدیگر جدا هستند. خاصه اندر مردم، با آنکه به صورت همه یکی‌اند... به هیأت‌های مختلف که یافته‌اند، از یکدیگر جدایند» (ناصر خسرو، ۱۳۶۲، ۸۲-۸۱). در حقیقت اندیشه اصلی میحث ریخت‌شناسی بر این اساس مبتنی است که کثرت و تکرار بیش از اندازه جزئیات (اعم از اثر ادبی و هنری) قابل تقلیل به طرح واحد است. طرحی که عناصر آن همیشه ثابت بوده و همواره با نظم خاصی قابل رویت هستند. به بیان دیگر آثار با وجود فراوانی قابلیت تقسیم، دسته‌بندی و گنجانیدن در قالب مشخص دارند. شایان ذکر است هدف ریخت‌شناسی صرفاً مشخص کردن شکل و فرم آثار نیست بلکه بسط آن به شناخت و طبقه‌بندی آثار، تعیین عناصر ثابت و متغیر هر اثر و در بعد گسترده‌تر استخراج الگوی ریخت‌شناسانه، مقایسه و مطالعه تطبیقی آثار به روش علمی از طریق بررسی اجزای هر اثر است.

پراپ در این زمینه ابراز می‌دارد تا زمانی که یک بررسی صحیح ریخت‌شناسانه وجود نداشته باشد تحقیق و بررسی تطبیقی درست میسر نخواهد بود (پراپ، ۱۳۸۶، ۴۴). از آنجا که وی مطالعات ریخت‌شناسی صحیح را مستلزم هرگونه مطالعات در حوزه بررسی تاریخی و تطبیقی می‌داند (خدیش، ۱۳۹۱، ۵۹) باید اذعان کرد که مطالعات ریخت‌شناسی مربوط به آثار هر دوره می‌تواند در بررسی سیر تطور و تحول تاریخی فرم و تزئینات در حوزه آثار هنری مؤثر باشد. با توجه به اینکه اساس نقد در هنر با هر رویکردی معطوف به فرم اثر هنری است لذا به مدد این رویکرد می‌توان به تصویری کلی از ریخت آثار دست یافت و بدین ترتیب آن‌ها را مورد بررسی، تدقیق و تطبیق قرار داد.

هنر شیشه‌گری ایران

شیشه‌گری یکی از هنرهای باشکوه ایران در طول تاریخ اسلام است. شیشه‌گری ایران در دوران اسلامی ضمن حفظ و تداوم تکنیک‌های ساخت و تزئین آثار شیشه‌ای دوران قبل، تکامل و رونق یافت. با گذشت حدود سه قرن از استیلای مسلمانان بر ایران، هنر شیشه‌گری که در حدود یک قرن و اندی دچار رکود شده بود مورد توجه واقع شد و به لحاظ ریخت، فرم و تزئینات تغییراتی کرد. چرا که در قرن‌های ۳ و ۴ ه.ق ایران تجدید حیات علمی، فرهنگی و هنری یافته و زیر لوای سامانیان - از بزرگ‌ترین سلسله‌های مستقل ایران پس از اسلام - از آسایش مادی و معنوی برخوردار گشت. در ادوار تاریخ ایران هر زمان که هنرمندان از آسایش و

تکنیک ساخت، نقوش و رنگ آن‌ها را تحلیل نموده است. آرتر آپم پوپ (۱۳۹۰) در کتاب «سیری در هنر ایران» جلد پانزدهم؛ پیوست‌ها و تعلیقات، به بررسی شیشه‌گری قرن‌های نخستین اسلام در ایران و مصر و سوریه تا حمله مغول و بعد از آن در دوران سلسله‌های صفویه و زند و قاجار به اختصار پرداخته است. هلن علی اکبرزاده کرد مهینی (۱۳۷۳) در کتابی با عنوان «شیشه مجموعه مرز بازرگان» پیدایش صنعت شیشه‌گری، تاریخچه مختصری از شیشه‌گری بعد از اسلام و روش‌های ساخت آن را بیان و همچنین چندین اثر شیشه‌ای را با ذکر محل و قرن پیدایش آن‌ها معرفی کرده است. بر این اساس موضوع قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر مورد پژوهش جدی و مستقلی واقع نشده است لذا مقاله پیش رو که به شناسایی و مطالعه ریخت‌شناسانه این آثار در ادوار یاد شده می‌پردازد، حائز اهمیت خواهد بود.

ریخت‌شناسی

ریخت‌شناسی دانشی در حوزه مطالعات ادبی است که هم اکنون در سایر عرصه‌ها از جمله در مطالعات هنری کاربرد دارد. اصطلاح ریخت‌شناسی یا مرفولوژی نخستین بار با ولادیمیر پراپ - محقق و مردم‌شناس روس - مطرح شد. وی این اصطلاح را از دانش زیست‌شناسی وام گرفته و معتقد است: «ریخت‌شناسی یعنی بررسی و شناخت اجزای تشکیل دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با کل گیاه» (پراپ، ۱۳۶۸، ۷). از نظرگاه وی بررسی فرم آثار به همان اندازه از اهمیت برخوردار است که ریخت‌شناسی شکل موجودات. وی پژوهش در اشکال ظاهری موجودات (اعم از زنده و غیر زنده) را وظیفه ریخت‌شناسی می‌داند.

ریخت‌شناسی به لحاظ واژگانی به معنای بررسی و شناخت ریخت‌ها (پراپ، ۱۳۸۶، ۱۷) و مطالعه صورت‌هاست. یعنی مطالعه اجزای تشکیل دهنده یک شی و روابطشان با یکدیگر و با کل ساختار آن شی (آسابرگر، ۱۳۷۹، ۳۲). پس می‌توان گفت ریخت‌شناسی ارتباط تنگاتنگی با ساختار و شکل دارد، از این‌رو برای درک و مطالعه یک اثر باید اجزا و عناصر آن را بررسی کرد (گلدمن، ۱۳۸۲، ۱۰-۹). به بیان دیگر تحقیق در ساختارهای آثار هنری، شناخت اشکال و گونه‌های آن و هر نوع تقسیم‌بندی که بتواند آثار را بر اساس مشخصه‌هایی متمایز کند از مقوله ریخت‌شناسی است (سرامی، ۱۳۶۸، ۴). همان‌طور که ذکر شد ریخت‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های تبیین هنری رویکردی است که در شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر اثر کارآمد است. عناصر ثابت عناصری هستند که پیوسته در اثر وجود دارند اما عناصر متغیر به صورت‌های مختلف ظاهر شده و سبب تنوع آثار می‌شوند (پارسا و صلواتی،



تصویر ۱. بزرگ‌ترین قندیل شیشه‌ای ایران، مأخذ: گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۵۹

آثار باقی‌مانده نشانه‌هایی از پیشرفت هنر شیشه‌گری در دوران سلجوقی است (معطوفی، ۱۳۹۳، ۱۷۲). کشمکش‌های سیاسی در اواخر دوران سلجوقی منجر به فرمانروایی خوارزمشاهیان بر ایران گردید اما در فرصت کوتاه حکومت ایشان، تحول و تنوعی در هنرها از جمله شیشه‌گری را نمی‌توان انتظار داشت. از این دوره به بعد شیشه‌گری رو به انحطاط نهاد، زیرا حمله مغول چنان ویرانی به بار آورد که اکثر آثار نابود و صنایع و هنرها به دست فراموشی سپرده شدند. در دوره حکومت صفویان این هنر دوباره زنده شد اما از کیفیت شیشه‌های روزگار گذشته برخوردار نبود، به همین سبب شاه عباس ناگزیر شیشه‌گران ونیزی را به ایران آورد و این گواهی بر نبود هنر شیشه‌گری در اوایل دوره صفوی است (گلاک و پنتون، ۱۳۸۵، ۱۰۳).

هنر شیشه‌گری مصر

هنر شیشه و شیشه‌گری از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. مصر یکی از مراکز اصلی شیشه‌گری و مصریان باستان از برجسته‌ترین و ماهرترین شیشه‌گران جهان بوده‌اند. شواهد حاکی از آن است که مصریان از سه هزار سال پیش از میلاد به تولید شیشه پرداخته‌اند. همچنین کشفیات تاریخی نشان می‌دهد که شیشه‌گری در مصر ۴۵ قرن و تاریخچه تولید ابزار در آن به ۲۵ قرن می‌رسد. در قرن ۱۵ پیش از میلاد ظروف شیشه‌ای در مصر به اوج زیبایی رسید و به سرعت در یونان، ایتالیا و نواحی غربی گسترش یافت (عطارزاده، ۱۳۹۶، ۱۹۹).

آرامش برخوردار بودند آثار هنری باارزشی به یادگار گذاشته‌اند.

توجه به هنر و ادبیات از خدمات مهم شاهان سامانی بوده است به طوری که می‌توان گفت دوره آن‌ها نهضتی برای هنر ملی ایران به شمار می‌رود (علام، ۱۳۸۶، ۷۸). این توجه به هنرمندان و صنعت‌گران باعث شد شیشه‌گری که از دوران قبل وجود داشت سریعاً طریق کمال پیش گیرد (نصری اشرفی، ۱۳۸۸، ۴۲۶). آثار به دست آمده از حفاری‌های نیشابور و سمرقند نشان دهنده دو مرکز بزرگ ساخت شیشه در عصر سامانیان بوده است (عطارزاده، ۱۳۹۶، ۲۰۴). در گذشته چنین تصور می‌شد که اشیای شیشه‌ای دوران اسلامی فقط در مصر، سوریه و بین‌النهرین ساخته شده‌اند اما در سال‌های اخیر، آثار شیشه‌ای متعددی مختص دوران اسلامی در ایران کشف شده است (فوکایی، ۱۳۷۱، ۹۷). در کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر نیشابور، ری، تورنگ‌تپه در گرگان، تپه میل و رامین، هرمزگان، ساوه، دقیانوس در کرمان، شهر حریره کیش و... انبوهی از ظروف شیشه‌ای مربوط به قرن‌های ۳ و ۴ ه‍.ق به دست آمد. همچنین بندر سیراف - یکی از مراکز مهم بازرگانی دریای خلیج فارس - در این سال‌ها کاوش شد و آثاری از کوره‌های شیشه‌گری و قطعات شیشه‌ای مربوط به این دوره به دست آمد که اشاره‌ای به وجود کارگاه شیشه‌گری در این بندر دارد. علاوه بر این شیشه‌های مصر که از طریق دریای سرخ وارد می‌شد در بندر سیراف یافت شده است (پوپ، ۱۴۷، ۱۳۹۰-۱۴۱). صفاریان (۲۶۱-۳۷۹ ه‍.ق / ۸۷۵-۹۸۹ م)، آل زیار (۳۱۶-۴۳۳ ه‍.ق / ۹۱۸-۱۰۴۱ م)، آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ه‍.ق / ۹۳۲-۱۰۵۵ م) از دیگر حکومت‌های قرن‌های نامبرده است که امرای آن همچون سامانیان به علوم و هنر توجه داشتند (مونس، ۱۳۸۵: ۳۶). در قرون بعدی تا حمله مغول اشیای شیشه‌ای زیبایی در کارگاه‌های شیشه‌گری ایران ساخته می‌شد. غزنویان (۳۵۱-۵۲۸ ه‍.ق / ۹۶۲-۱۱۸۶ م)، غوریان (۵۴۳-۶۱۲ ه‍.ق / ۱۱۴۸-۱۲۱۵ م)، سلسله مستقل سلجوقیان (۵۹۰-۴۲۹ ه‍.ق / ۱۱۳۴-۱۱۹۳ م)، خوارزمشاهیان (۴۹۰-۶۲۸ ه‍.ق / ۱۰۳۰-۱۰۹۶ م) در خلال قرون ذکر شده بر ایران حکم راندند (بیات، ۱۳۸۸، ۱۶۹ و ۱۸۳). نقش سلجوقیان در تاریخ هنر ایران به نحوی سامان یافته که عصر حکومت آن‌ها را عصر درخشان و خلاقه هنر ایران دانسته‌اند. ورود سلجوقیان به ایران در قرن ۵ ه‍.ق از سویی توسعه روز افزون هنر ایران را در قرن‌های بعد رقم زد و از سوی دیگر باعث ترقی انواع هنرها از جمله شیشه‌سازی گردید و البته حمایت و تشویق پادشاهان سلاجقه در تعالی این هنر مؤثر واقع گشت. در قرن‌های ۵ و ۶ ه‍.ق زیبایی، تنوع و تکنیک هنر شیشه به اوج خود رسید به طوری که

به تعداد کم باقی مانده است. نقاشی با طلا نیز در بین شیشه‌گران فاطمی مرسوم بوده و اغلب از طلای مایع استفاده کرده‌اند (دیماندا، ۲۲۲، ۱۳۸۹-۲۱۹). بزرگ‌ترین عصر صنعت شیشه‌سازی مصر اسلامی در اواخر قرن ۶ ه.ق آغاز شد. تکمیل شیوه میناکاری روی اشیای شیشه‌ای مرهون دوره‌های قبل و شیشه‌سازان سوریه بوده است (همان: ۲۲۲).

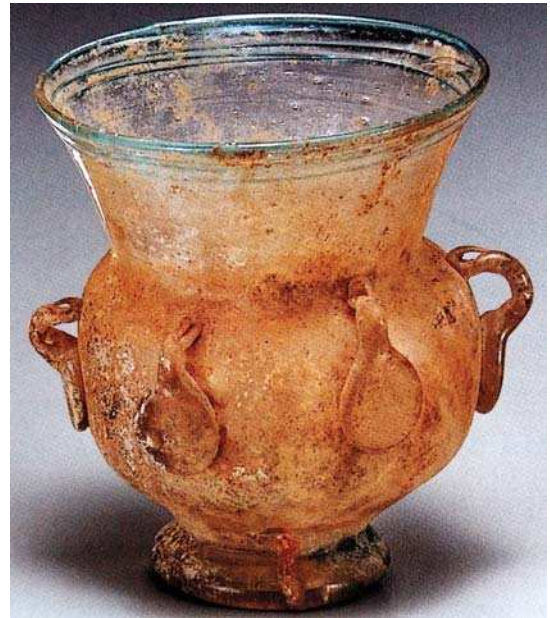
قندیل شیشه‌ای

در اکثر آیین‌ها و تمدن‌ها نور مورد توجه بشر بوده و در ایران از دوران پیش از زرتشت، نور و نمادهایی از آن ستایش می‌شده است. در آیین اسلام و قرآن کریم ایمان (آیه ۲۵۷ سوره بقره)، هدایت الهی (آیه ۱۲۲ سوره انعام)، پیامبر (آیه ۴۶ سوره احزاب)، ذات احدیت پروردگار (آیه ۳۵ سوره نور) و ... مصداق‌هایی برای نور هستند. قندیل به عنوان ابزار روشنائی از جمله اشیایی است که با نور در ارتباط بوده و علاوه بر جنبه کاربرد جهت تزیین در مکان‌های مذهبی همچون مساجد به کار رفته است. ارنست کونل در مورد ساخت قندیل و کاربرد آن در هنر اسلامی چنین نوشته است: از ائاته مهم مسجد شمع‌دان است که مخصوصاً نوع مجلل آن را در کنار محراب قرار می‌دادند و اکثر آن‌ها را تزیین می‌کردند. یکی از جلوه‌های خاص ابنیه مذهبی، قندیل‌های شیشه‌ای مطلا و میناکاری شده‌ای بود که در کارگاه‌های مصر ساخته می‌شد. این قندیل‌ها در شکل باریک یا جمع شده گلدان گونه خود با بدنه بر آمده دهانه گشاد و حلقه‌های شیشه‌ای برای عبور دادن زنجیر و آویزان کردن از سقف تغییر کمی پیدا کرد (کونل، ۱۳۸۴، ۱۳۷).

داخل بدنه قندیل‌ها لوله‌ای ایستاده یا اضافه شده برای قرار دادن شمع و سایر وسایل همچون پیه یا چربی حیوانات، روغن دانه‌های روغنی مانند بزرک و کنجد تعبیه شده است. اغلب قندیل‌های شیشه‌ای ایران بی‌رنگ و یک مورد به رنگ آبی ساخته شده است. اندازه قندیل‌های شیشه‌ای ایران از ۷ تا ۱۸ سانتیمتر متغیر است. ارتفاع و قطر بزرگ‌ترین قندیل به ترتیب ۱۸/۱ و ۱۷ سانتیمتر بوده و کوچک‌ترین آن‌ها ۷/۷ سانتیمتر ارتفاع و ۶/۸ سانتیمتر پهنا دارد.

تصاویر قندیل‌های شیشه‌ای قرن‌های ۷-۳ ه.ق متعلق به سرزمین ایران به همراه ترسیم خطی هر اثر به ترتیب قرن -از قرن ۳ تا ۷ ه.ق- در جدول زیر گنجانده شده است.




قندیل‌های شیشه‌ای مصر از پر آوازه‌ترین و ارزشمندترین دست ساخته‌های هنرمندان جهان اسلام در زمینه شیشه‌گری است که با مهارت و علاقه‌مندی استادکاران شیشه‌گر ساخته و تزیین شده‌اند. شایان



تصویر ۲. کوچک‌ترین قندیل شیشه‌ای ایران، مأخذ: Carboni, 2001, 166

در اوایل قرن اول پیش از میلاد روش دمیدن در شیشه کشف و شیشه‌گری وارد مرحله نوینی شد. شیشه‌گران دریافتند که با دمیدن شیشه در قالب می‌توانند ظرف‌های شیشه‌ای مختلف با کاربردها و تزیینات متنوع بسازند و از آن ظروف شیشه‌ای در مقیاس زیاد تولید کنند. چرا که نخستین انقلاب مهم در تکنیک شیشه‌گری اختراع میله دم بوده که به احتمال قوی ابتدا در بابل و بعد در مصر از این وسیله استفاده شده است (مالونی، ۱۳۷۹، ۷۴). در دوران اسلامی شیشه‌گری احیا شد، نقطه اوج این هنر و صنعت در مصر را می‌توان متعلق به قرون اسلامی دانست. شیشه‌گران مصر در دوران اسلامی شیوه‌های متنوعی برای ساخت و تزیین آثار شیشه‌ای با نهایت دقت و هنرمندی به کار برده‌اند. با ظهور اسلام امویان و عباسیان در قرن‌های نخست در مصر خلافت می‌کردند. در قرون بعدی طولونیان، اخشیدیان، فاطمیان، ایوبیان و ممالیک در مصر فرمان راندند. فرمانروایان این حکومت‌ها از دوست‌داران هنر و حامیان هنرمندان بودند. شیشه‌گری و شیشه‌گران نیز در این زمره قرار داشتند. در قرن‌های ۶-۴ ه.ق صنعت شیشه‌سازی مصر به درجه عالی رسید و طرز ساخت و شیوه تزیین دوره طولونی در این عصر تکمیل‌تر شد. تزیینات این دوره از سویی براساس طرح‌های قدیمی و از سوی دیگر با اسلوب جدید -که توسط شیشه‌گر ابداع گردیده- اعمال شده است. یکی از موفقیت‌های شیشه‌سازان این عصر (عصر فاطمی) نقاشی با رنگ‌های مینا به منظور تزیین روی سطوح شیشه بوده که متأسفانه نمونه‌های سالم

جدول ۱. قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های ۳-۷ ه‍.ق. مأخذ: نگارندگان

منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۲	منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۱
(Tait, ۱۳۰, ۱۹۹۱)			قرن: ۳-۴	(Carboni, ۲۰۰۱, ۱۶۶)			قرن: ۳
فاقد تزیینات ترسیم شده				فاقد تزیینات ترسیم شده			
منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۴	منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۳
علی اکبرزاده (کرده‌مبئی، ۱۳۷۳، ۱۰۴)			قرن: ۴	علی اکبرزاده (کرده‌مبئی، ۱۳۷۳، ۱۰۳)			قرن: ۴
فاقد تزیینات ترسیم شده				فاقد تزیینات ترسیم شده			
منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۶	منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۵
(Carboni & Whitehouse, ۲۰۰۱)			قرن: ۴-۵	علی اکبرزاده کرده‌مبئی (۱۰۱، ۱۳۷۳)			قرن: ۴
فاقد تزیینات ترسیم شده				فاقد تزیینات ترسیم شده			
منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۸	منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۷
گلدانشین، ۱۳۸۷ (۶۰)			قرن: ۴-۵	علی اکبرزاده کرده‌مبئی (۱۱۵، ۱۳۷۳)			قرن: ۴-۵
فاقد تزیینات ترسیم شده				فاقد تزیینات ترسیم شده			
منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۱۰	منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۹
(Carboni, ۲۰۰۱, ۱۶۶)			قرن: ۵	(Kotger, ۱۹۹۵, ۱۸۲)			قرن: ۴-۵
فاقد تزیینات ترسیم شده				فاقد تزیینات ترسیم شده			
منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۱۲	منبع	ترسیم خطی	تصویر	شماره تصویر: ۱۱
گلدانشین، ۱۳۸۷ (۶۱)			قرن: ۴-۶	گلدانشین، ۱۳۸۷ (۵۹)			قرن: ۴-۶
فاقد تزیینات ترسیم شده				فاقد تزیینات ترسیم شده			

جدول ۲. قندیل‌های شیشه‌ای مصر در قرن‌های ۷-۳ ه.ق. مأخذ: نگارندگان

شماره تصویر: ۱	تصویر	ترسیم خطی	منبع	شماره تصویر: ۲	تصویر	ترسیم خطی	منبع
قرن: ۶-۷			(Carboni & Whitehouse, ۲۲۹, ۲۰۰۱)	قرن: ۷			(Tait, ۱۳۳, ۱۹۹۱)
<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی عبارت «مما عمل برسم تر به المقر العالی / العلالی البندقار / قدس الله روحه» به خط ثلث دیده می‌شود.</p>				<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی این قندیل برای سیف‌الدین شیخ العمری از برجسته‌ترین مقامات رسمی مملوکیان ساخته شده است. کتیبه درشت روی بدنه به نام وی اشاره دارد.</p>			
شماره تصویر: ۳	تصویر	ترسیم خطی	منبع	شماره تصویر: ۴	تصویر	ترسیم خطی	منبع
قرن: ۷			(Tait, ۱۳۳, ۱۹۹۱)	قرن: ۷			(Tait, ۱۳۳, ۱۹۹۱)
<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی و جانوری متن موجود بر روی گردن این قندیل حاوی آیاتی از سوره نور بوده و متن موجود بر روی بدنه آن به نام سیف الدین طغز تیمور حموی از امراي برجسته سلطان محمد بن قلاوون است. نشان خانوادگی وی به صورت عقاب سه مرتبه بر روی گردن تکرار شده است.</p>				<p>تزیینات شمایل-انتزاعی گیاهی نقش گیاه لوتوس و شاخه و برگ</p>			
شماره تصویر: ۵	تصویر	ترسیم خطی	منبع	شماره تصویر: ۶	تصویر	ترسیم خطی	منبع
قرن: ۷			(Tait, ۱۳۳, ۱۹۹۱)	قرن: ۷			(Carboni & Whitehouse, ۲۳۰, ۲۰۰۱)
<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی این قندیل شامل آیاتی از سوره نور است که از گردن آغاز شده و تا انتهای بدنه ادامه یافته است. عبارت آن به خط نسخ نوشته شده است. در بخش تحتانی هر یک از دسته‌های آن حاری متنی مبنی بر اهدای آن به مسجد محل مقبره وزیر تقی الدین است.</p>				<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی عبارت نوشتاری «عز لولانا السلطان / الملك المظفر العالم العادل / رکن الدنيا والدين عزالله نصره» به خط نسخ می‌باشد.</p>			
شماره تصویر: ۷	تصویر	ترسیم خطی	منبع	شماره تصویر: ۸	تصویر	ترسیم خطی	منبع
قرن: ۷			(Carboni & Whitehouse, ۲۲۲, ۲۰۰۱)	قرن: ۷			(Carboni & Whitehouse, ۲۲۵, ۲۰۰۱)
<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی دو نوشته «مما عمل برسم المقر العالی المولوی المخدومی السیفی الساقی قوصون الملکی الناصری» و «عمل الفقیر العبد علی بن محمد البرمکی حفظه الله» به خط نسخ روی بدنه و گردن نوشته شده است.</p>				<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی و جانوری عبارت «مما عمل برسم / المقر العالی / المولوی الامیری / السیفی طقزدمر / امیر مجلس / الملکی الناصری» به خط نسخ و شیوه ثلث روی قندیل نوشته شده است.</p>			
شماره تصویر: ۹	تصویر	ترسیم خطی	منبع				
قرن: ۷			(Page, ۶۷, ۲۰۰۶)				
<p>تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایل-انتزاعی گیاهی آیاتی از سوره نور با معنی خداوند نور آسمان‌ها و زمین است، دور تا دور بدنه نوشته شده است.</p>							



تصویر ۴. کوتاه‌ترین قندیل شیشه‌ای مصر مأخذ: Tait, 1991, 134

کتاب هنر اسلامی خود نوشته است که در بعضی از آن‌ها نشانی خاص ثروتمندی که سفارش ساخت قندیل را داده بود، نگاشته شده است (پرایس، ۱۳۶۴، ۸۷).

مطالعه تطبیقی ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر

با مطالعه و بررسی قندیل‌های شیشه‌ای بر جای مانده از ایران و مصر در قرن‌های ۷-۳ ه‍.ق باید بیان کرد بدنه، گردن، پایه و حلقه آویز عناصر اصلی تشکیل دهنده این آثار است. قندیل‌های شیشه‌ای مصر نسبت به قندیل‌های شیشه‌ای ایران از ارتفاع و پهنای بیشتری برخوردارند به طوری که کوچک‌ترین قندیل مصر از بزرگ‌ترین قندیل ایران مرتفع‌تر است. با وجود اینکه اجزا و عناصر تشکیل دهنده قندیل‌های شیشه‌ای هر دو سرزمین ایران و مصر مشترک است اما تفاوت اندازه آن‌ها سبب ایجاد ریخت متفاوت قندیل‌های مزبور گشته است. این تفاوت در بدنه، گردن و پایه به خوبی مشهود است. بدنه قندیل‌های شیشه‌ای ایران در دو ریخت متفاوت شلجمی-کروی و گلدانی (تصویر ۵ و ۶) مشاهده می‌شود. با اینکه یک فرم گلدانی برای قندیل‌های شیشه‌ای در نظر گرفته شده اما اندازه قطر و ارتفاع آن‌ها سبب تنوع این فرم گشته است. در بعضی از قندیل‌های بلند و باریک ارتفاع بدنه نسبت به قطر آن زیادتر بوده و در برخی دیگر قطر بدنه بیشتر از ارتفاع آن است که در این صورت فرم نهایی کوتاه، پهن و کروی شکل دیده می‌شود. فرم گردن قندیل‌های



تصویر ۳. بلندترین قندیل شیشه‌ای مصر مأخذ: Tait, 1991, 134

ذکر است اغلب قندیل‌های شیشه‌ای در مصر از قرون ۶ و ۷ ه‍.ق بر جای مانده‌اند. ۹ اثر از این قندیل‌ها از سرزمین مصر به یادگار مانده که در جدول ۲ به آن‌ها پرداخته شده است.

بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین قندیل شیشه‌ای مصر به ارتفاع ۳۸ و ۲۴/۵ سانتیمتر (تصویر ۳ و ۴) در قرن ۷ ه‍.ق ساخته شده است.

یکی از موفقیت‌های بزرگ شیشه‌گران مصر تزیین روی شیشه با رنگ‌های مینا و تکامل آن بوده که در قندیل‌های شیشه‌ای این سرزمین در قرن‌های ۶ و ۷ ه‍.ق تجلی یافته است. پرتوی نوری که از میان شیشه‌های نقاشی شده می‌تابید زیبایی خاص و جاودانی را تجسم می‌بخشید. بدنه قندیل‌های مورد مطالعه بی‌رنگ مایل به قهوه‌ای بوده و با رنگ‌های مینای قرمز، آبی، سبز، زرد، سفید، سیاه، صورتی و خاکستری در زیباترین حالت ممکن نقاشی شده‌اند. تمام سطح بدنه قندیل‌های شیشه‌ای مصر با رنگ‌های مینا و طلا تزیین گشته است. خطوط نوشتاری از بارزترین نقوش این قندیل‌هاست که مضامین دعایی و عباراتی از قرآن کریم دربردارد. کریستین پرایس در



تصویر ۸. قندیل با گردن بلند
مأخذ: همان



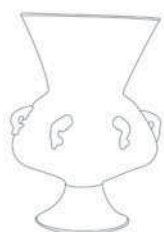
تصویر ۷. قندیل با گردن کوتاه و
عریض، مأخذ: همان



تصویر ۶. قندیل با بدنه گلدانی
کشیده، مأخذ: همان



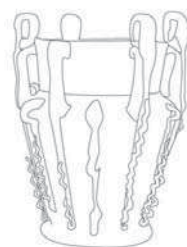
تصویر ۵. قندیل با بدنه شلجمی
کروی، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۱۲. حلقه‌های آویز مشابه
شکل دسته مأخذ: همان



تصویر ۱۱. حلقه‌های متصل به
سطح بدنه مأخذ: همان



تصویر ۱۰. حلقه‌های متصل
از دهانه به بدنه مأخذ: همان



تصویر ۹. حلقه‌های روی بدنه
مأخذ: همان

اول از انتهای این فرم‌های حلقه مانند، نوار باریکی پایه قندیل با خمیر شیشه اعمال شده که با ابزار شکل گرفته است (تصویر ۹). شایان ذکر است در قندیل‌هایی با فرم کشیده و باریک‌تر، حلقه‌های شیشه‌ای از دهانه به طرف بدنه کشیده شده که در همان محل اتصال نیز نوار افزوده‌هایی عمودی به منظور تزیین و استحکام آن تا کف قندیل امتداد یافته است (تصویر ۱۰). در حالت دوم حلقه شیشه‌ای بالای سطح دایره‌وار که با خمیر شیشه به بدنه اصلی قندیل افزوده شده، قرار گرفته است (تصویر ۱۱). ریخت حلقه‌های شیشه‌ای قندیل‌های مصر متفاوت است. این حلقه‌های آویز اغلب به شکل دسته مشاهده می‌شوند (تصویر ۱۲) اگر چه در دو مورد روی سطحی از خمیر شیشه قرار گرفته و از پهنای بیشتری برخوردار می‌باشند.

همچنین در انتهای این قندیل‌ها پایه‌ای ساده برای قرارگیری شمع در حین ساخت از سوی هنرمند شیشه‌گر در نظر گرفته شده است. پایه در قندیل‌های شیشه‌ای ایران فرم دایره‌ای مسطحی است. علاوه بر وجود این نوع پایه در قندیل‌های مصر، ۴ نمونه از آن‌ها

شیشه‌ای کوتاه یا بلند است که به فرم استوانه‌ای و شیپوری رویت می‌شوند (تصویر ۷ و ۸).

رایج‌ترین شکل قندیل‌های شیشه‌ای مصر شبیه گلدان با بدنه برآمده و دهانه گشاد است. بدنه قندیل‌های شیشه‌ای مصر به شکل شلجمی‌های متنوع ساخته شده و گردن آن‌ها نیز از فرم عریض و بلند که بستر مناسبی برای ارائه تزیینات است، تبعیت می‌کند.

بدنه قندیل‌های شیشه‌ای ایران بدون نقوش بوده و با خمیر شیشه هم‌رنگ بدنه یا رنگ‌های آبی و سبز تزیین شده است. این تزیینات افزوده گاهی در لبه گردن به صورت یک خط افقی و گاه روی بدنه، در محل اتصال حلقه‌ها وجود دارند. حلقه‌های شیشه‌ای - در فواصل منظم بدنه برای عبور دادن زنجیر و آویزان کردن از سقف- در ۸ مورد از قندیل‌های ایران در ابتدای بدنه- یعنی قسمتی که بدنه به گردن متصل شده است و در ۴ نمونه از دهانه به بدنه متصل شده‌اند. همچنین این حلقه‌های آویز در قسمت میانی بدنه قندیل‌های شیشه‌ای مصر قرار گرفته‌اند. حلقه‌های آویز قندیل‌های شیشه‌ای ایران در دو حالت به بدنه متصل شده است. در حالت

شیشه‌ای مصر با رنگ‌های مینا و طلا در زیباترین حالت ممکن مزین شده است. این تزیینات شامل نقوش گیاهی ختایی و اسلیمی روی تمام قندیل‌های شیشه‌ای مصر، نقش عقاب در حالت انتزاعی، خطوط نوشتاری حاوی آیاتی از قرآن، دعای خیر، اسامی سفارش‌دهندگان و سلاطین آن عصر می‌باشد. در قرون ۷-۶ ه‍.ق به دلیل آسایش و امنیت نسبی در مصر و حمایت حاکمان از هنرمندان، هنر شیشه‌گری همچون دیگر صنایع از شکوفایی برخوردار گشت. اشراف مصر در این دوره به جمع‌آوری آثار هنری همت گماشته و هنرمندانی به خدمت گرفتند و آثار هنری را به عنوان میراث شخصی سفارش دادند، بدین ترتیب اسامی سفارش‌دهندگان بر روی بعضی از قندیل‌های شیشه‌ای بر جای مانده است.

جدول ۳ دربردارنده ویژگی‌های بصری قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر در قرون سوم تا هفتم هجری قمری به لحاظ ریخت‌شناسانه و با رویکردی تطبیقی است.

از پایه‌ای بلند برخوردار می‌باشند که به زیبایی فرمی این قندیل‌ها افزوده است.

در ریخت‌شناسی آثار دو مؤلفه یعنی عناصر ثابت و متغیر مورد بررسی قرار می‌گیرند. یکی از عناصر متغیر در همه آثار شیشه‌ای تزیینات و نقوش آن می‌باشد که بنا بر گستردگی در دو دسته کلی انتزاعی و شمایی تقسیم‌بندی شده است. تزیینات شمایی که خود در دو دسته شمایی-انتزاعی و شمایی-طبیعت‌گرایانه قابل بررسی است که در این بحث به شمایی-انتزاعی محدود می‌شود. تزیینات آثار شیشه‌ای در این پژوهش در دو گروه انتزاعی محض متشکل از نقوش هندسی، غیرهندسی و نوشتاری و شمایی-انتزاعی شامل نقوش گیاهی، جانوری و انسانی قابل پیگیری است.

تزیینات ترسیم شده که عنصر متغیر این قندیل‌های شیشه‌ای است در آثار مذکور ایران دیده نمی‌شود اما تمام قسمت‌های بدنه، گردن و پایه (در ۳ مورد) قندیل‌های

جدول ۳. بررسی تطبیقی ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر در قرون ۷-۳ ه‍.ق. مأخذ: نگارندگان

بررسی عناصر ثابت و متغیر قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر				
قندیل‌های شیشه‌ای ایران	بدنه	- گلدانی - شلجمی-کروی	بدنه	- گلدانی
	گردن	- استوانه‌ای - شیپوری کوتاه و بلند	گردن	- شیپوری بلند
	پایه	- ساده مسطح	پایه	- ساده مسطح - پایه بلند
	حلقه	- محل قرارگیری در دهانه و میانه بدنه - حلقه متصل به نوار افزوده - حلقه متصل به سطح دایره‌وار افزوده - شده با خمیر شیشه	حلقه	- محل قرارگیری در میانه بدنه - حلقه دسته مانند - حلقه متصل به سطح دایره‌وار افزوده - شده با خمیر شیشه
	تزیینات	- خمیر شیشه افزوده در دهانه و روی بدنه	تزیینات	- تزیینات انتزاعی محض نوشتاری و شمایی-انتزاعی گیاهی و جانوری با شیوه مینای روی شیشه



<p>- بدنه گلدانی - گردن شیپوری بلند - پایه ساده مسطح - حلقه‌های آویز شیشه‌ای متصل به سطح دایره‌ای شکل در میانه بدنه</p>	<p>وجوه اشتراک</p>
<p>- بدنه شلجمی - کروی در قندیل‌های شیشه‌ای ایران - دو نوع فرم گردن شامل فرم استوانه‌ای و شیپوری کوتاه در قندیل‌های شیشه‌ای ایران - پایه بلند در قندیل‌های شیشه‌ای مصر - قرار گرفتن حلقه‌های آویز شیشه‌ای در دهانه قندیل‌های ایران - حلقه‌های آویز متصل به نوار افزوده در قندیل‌های شیشه‌ای ایران و حلقه‌های آویز دسته مانند در قندیل‌های شیشه‌ای مصر - وجود نقوش نوشتاری، گیاهی و جانوری بر روی قندیل‌های مصر و عدم وجود نقوش تزیینی بر روی قندیل‌های ایران - شیوه اجرای مینای روی شیشه و طلاکاری بر روی قندیل‌های شیشه‌ای مصر</p>	<p>وجوه افتراق</p>

نتیجه

در پژوهش حاضر سعی شد با ماهیت تطبیقی به بررسی ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر در قرن‌های ۷-۳ ه.ق پرداخته شود تا بدین منظور با ارائه کلیت جامعی از ریخت قندیل‌های شیشه‌ای دو سرزمین طی ۵ قرن - در جهت پیشبرد شناخت هنر شیشه‌گری دوران اسلامی ایران و مصر - تفاوت‌ها و تشابه‌های قندیل‌های شیشه‌ای دو سرزمین با تطبیق نمونه آثار میسر گردد. نتایج حاصل از این پژوهش نمایانگر وجوه اشتراک و افتراق قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر بوده و به طور کلی می‌توان گفت ظاهراً الگوی مشابهی در ساخت این قندیل‌ها وجود داشته و فرم‌های مشابهی توسط شیشه‌گران هر دو سرزمین ساخته شده که از طرفی خاص هر سرزمین است و از طرفی دیگر شباهت‌هایی را در ریخت قندیل‌های شیشه‌ای به ذهن متبادر می‌سازد. بر اساس مبحث ریخت‌شناسی، با مرور یافته‌های حاصل از قندیل‌های شیشه‌ای باقی‌مانده از قرون ۷-۳ ه.ق و تعیین عناصر ثابت و متغیر قندیل‌های شیشه‌ای سرزمین‌های ایران و مصر این نتیجه حاصل می‌شود که بدنه، گردن، حلقه آویز و پایه از اجزای ثابت و تزیینات متنوع و نقوش روی قندیل‌های شیشه‌ای جزو عناصر متغیر این آثار است. فرم بدنه قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر شلجمی و گلدانی بوده اما تفاوت‌هایی در این فرم‌ها مشهود است. گردن قندیل‌های مصر مرتفع‌تر و عریض‌تر - نسبت به فرم گردن قندیل‌های شیشه‌ای ایران - با دهانه گشاد توسط هنرمند شیشه‌گر ساخته شده که همچون بدنه، زمینه مناسبی برای ارائه تزیینات و نقوش بوده است. پایه مسطح در قندیل‌های شیشه‌ای دو سرزمین و پایه بلند در قندیل‌های شیشه‌ای مصر مشاهده شد. علیرغم شباهت فرم حلقه‌های شیشه‌ای - برای عبور دادن زنجیر و آویزان کردن قندیل از سقف - در قندیل‌های شیشه‌ای ایران و مصر تفاوت‌هایی در آن وجود دارد که از آن جمله می‌توان به فرم حلقه مانند این جزء در قندیل‌های ایران و فرم شبیه دسته در قندیل‌های مصر اشاره داشت. همچنین محل قرارگیری حلقه‌های آویز شیشه‌ای متفاوت است. حلقه‌های آویز قندیل‌های شیشه‌ای ایران در دهانه و میانه بدنه افزوده شده در حالی که حلقه‌های آویز قندیل‌های شیشه‌ای مصر تنها بر روی بدنه با خمیر شیشه اعمال شده است. برخی از روش‌های تزیین آثار شیشه‌ای توسط هنرمندان شیشه‌گر، فقط در یکی از این سرزمین‌ها به کار برده شده است. از جمله این تزیینات نقاشی با

رنگ‌های مینا - از ابتکارات هنرمندان شیشه‌گر مصر در قرون ۶ و ۷ ه‍.ق - می‌باشد که با نهایت دقت، ظرافت، نوق و سلیقه شیشه‌گران مصر روی قندیل‌های شیشه‌ای مصر نقش بسته و استفاده از آب طلا نیز در کنار شیشه‌های مینایی رونق داشته است. تزیین با شیشه‌افزوده نیز از جمله تزیینات مشترک قندیل‌های شیشه‌ای دو سرزمین نامبرده می‌باشد با این تفاوت که استفاده از خمیر شیشه در قندیل‌های شیشه‌ای ایران به مراتب بیشتر از قندیل‌های شیشه‌ای مصر بوده است. با مطالعه و تدقیق قندیل‌های مزبور در قرن‌های ۷-۳ ه‍.ق آشکار گردید استفاده از تزیینات انتزاعی محض و شمایی - انتزاعی اعم از نقوش هندسی، نوشتاری، گیاهی، جانوری و یا ترکیبی از آن‌ها مورد توجه هنرمندان شیشه‌گر مصر بوده است و قندیل‌های شیشه‌ای ایران از این نقوش بهره‌ای ندارند. با توجه به پیشینه پر بار و قدمت طولانی هنر شیشه‌گری در سرزمین ایران و دیگر سرزمین‌های جهان همچون مصر که شیشه‌گران آن از بدعت‌گذاران یکی از شیوه‌های تزیین روی شیشه - مینای روی شیشه - بوده‌اند تحقیق در حوزه آثار شیشه‌ای مزین شده با روش مذکور و یا تاریخچه و نحوه اجرای آن می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرند که مورد مطالعه و بررسی واقع نشده است. همچنین بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های روش مینا و زرین‌فام - از شیوه‌های تزیین آثار شیشه‌ای - از دیگر موضوعات قابل پژوهش و مطالعه می‌باشد.

منابع و مأخذ

- آسا برگر، آرتور. (۱۳۷۹). نقد فرهنگی. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: باز.
- بیات، عزیزالله. (۱۳۸۸). کلیات تاریخ تطبیقی ایران. چ دوم. تهران: امیرکبیر.
- پارسا، سید احمد و لاله صلواتی. (۱۳۸۹). «ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیده و دمنه نصرالله منشی». بوستان ادب دانشگاه شیراز. سال دوم. دوره ۶. ش ۴. صص ۷۷-۴۷.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. چ اول. تهران: طوس.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. چ دوم. تهران: توس.
- پرایس، کریستین. (۱۳۶۴). تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتر آپم. (۱۳۹۰). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. جلد پانزدهم؛ پیوست‌ها و تعلیقات. تهران: علمی و فرهنگی.
- خدیش، پگاه. (۱۳۹۱). ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی. چ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- دیمانند، موریس اسون. (۱۳۸۹). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار. چ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۶۸). از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه). تهران: علمی و فرهنگی.
- عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۶). مجموعه هنر در تمدن اسلامی. تهران: سمت.
- علام، نعمت اسماعیل. (۱۳۸۶). هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی. ترجمه عباسعلی تفضلی. چ دوم. مشهد: به‌نشر.
- علی اکبرزاده کرد مهینی، هلن. (۱۳۷۳). شیشه مجموعه مرز بازرگان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فوکایی، شینجی. (۱۳۷۱). شیشه ایرانی. ترجمه آرمان شیشه‌گر. تهران: میراث فرهنگی.
- کونل، ارنست. (۱۳۸۴). هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری، چاپ پنجم. تهران: انتشارات طوس.
- گلاک، جی و کارل پنتون. (۱۳۸۵). سیری در صنایع دستی ایران.



- گلدشتاین، سیدنی ام. (۱۳۸۷). کارهای شیشه؛ مجموعه هنرهای اسلامی گردآوری ناصر خلیلی. جلد ۱۰. تهران: کارنگ.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۶۹). نقد تکوینی. ترجمه محمدتقی غیاثی. چ چهارم. تهران: بزرگ مهر.
- مالونی، فرانسیس جوزف ترنس. (۱۳۷۹). صنعت شیشه. ترجمه محمد رضانی. تهران: گوتنبرگ.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۹۳). سفال و شیشه شهر تاریخی گرگان (جرجان). تهران: فروهر.
- مونس، حسین. (۱۳۸۵). اطلس تاریخ اسلام. چ سوم. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ناصر خسرو قبادیانی، ابو معین. (۱۳۶۲). جامع الحکمتین. تصحیح محمد معین و هانری کربن. تهران: طهوری.
- نصری اشرفی، جهانگیر. (۱۳۸۸). تاریخ هنر ایران. تهران: آرون.

Carboni, Stefano & David Whitehouse. (2001). Glass of the Sultans. New York: The Metropolitan.

Carboni, Stefano. (2001). Glass from Islamic Lands. UK: Thames & Hudson.

Page, Jutta-Annette. (2006). The Art of Glass. London: Toledo Museum of Art.

Tait, Hugh. (1991). Five Thousand Years of Glass. New York: The Trustees of the British- Museum.

Kroger, Jens. (1995). Nishapur Glass of the Early Islamic Period. New York: The Metropolitan Museum of Art.



Farvahar.

Maloney, Francis Joseph Terence, 2000, Glass Industry, Tehran: Gothenburg.

Munis, Husayn, 2006, Atlas Tarikh al-Islam, Tehran: National Geography Organization of Iran.

Naserkhosro Gobadiani, Abo Moein, 1983, Jamee al-Hekmatein, Tehran: Tahouri.

Nasri Ashrafi, Jahangir, 2009, History of Iranian Art, Tehran: Arvan.

Page, Jutta-Annette, 2006, The Art of Glass, London: Toledo Museum of Art.

Parsa, Seyed Ahmad & Salavati, Laleh, 2010, Morphology of Kelileh and Demneh Anecdotes of

Nasrollah Monshi, Shiraz: Shiraz University, Vol.2, No.4, pp. 47-77.

Pope, Arthur Upham, 2011, A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present, Tehran:

Elmi-farhangi.

Price, Christian, 1985, History of Islamic Art, Tehran: Elmi-farhangi.

Propp, Vladimir, 1989, Morphology of Tales, Tehran: Tous.

Propp, Vladimir, 2007, Morphology of Tales, Tehran: Tous.

Ricke, Helmut, 2002, Glass Art Reflecting the Centuries, New York: Dusseldorf.

Sarami, Gadamali, 1989, Az Rang Gol Ta Ranj Khar (Morphology of Shahnameh tales), Tehran:

Elmi-farhangi.

Tait, Hugh, 1991, Five Thousand Years of Glass, New York: The Trustees of the British-Museum.



and variable elements of each work, and in a broader dimension, extracting the morphological pattern, and the scientific comparative study of works by reviewing components of each effect. The present study seeks to answer these questions: 1) What are the visual features of Iranian and Egyptian glass chandeliers in terms of morphology, 2) What are the differences and similarities in the shape of the glass chandeliers of Iran and Egypt in the 3rd-7th centuries AH? This research is developmental in terms of purpose, retrospective in terms of time, and descriptive-analytical in terms of nature and method. Data and information were collected through authentic library sources. The population includes 12 samples of Iranian glass chandeliers and 9 samples of Egyptian glass chandeliers during the 3rd-7th centuries AH. The results indicate that despite the similarities in the shape of glass chandeliers, differences in their components, including fixed elements of the body, neck, base and pendant, and variable elements of ornaments and patterns, differentiated Iranian and Egyptian glass chandeliers from each other. Body, neck, pendant ring and base are considered as the fixed components, and various decorations and designs on glass chandeliers are among the changing elements of these works. The body shape of Iranian and Egyptian glass chandeliers is parabolic and vase-like, but differences exist in these forms. The neck of Egyptian chandeliers is taller and wider than the neck shape of Iranian glass chandeliers, with a wide mouth made by a glass artist, which, like the body, has been a suitable background for presenting decorations and designs. A flat base was observed in the glass chandeliers of both countries, while a long base was observed in the glass chandeliers of Egypt. Despite the similarity of the shape of the glass rings -to pass the chains and hang the chandelier from the ceiling- there are differences in the glass chandeliers of Iran and Egypt, including the ring-like shape of this component in Iranian chandeliers and the handle-like form in Egyptian chandeliers. Also, some methods of decorating glassworks by glass artists have been used in only one of these countries. Drawn upon the study, the Egyptian glass artists, unlike the Iranian ones, were attracted to the use of pure abstract and iconic-abstract decorations.

Keywords: Morphology, Glassware in Islamic Period, Iranian and Egyptian Glassware, Glass Chandeliers, Forms and Design

References: Aliakbarzadeh kordmahini, Helen, 1994, Glass from the Bazargan Collection, Tehran: National Museum.

Allam, Nemat esmaeil, 2007, Middle Eastern Arts in the Islamic Era, Mashhad: Beh.

Asa Berger, Arthur, 1994, Cultural Criticism, Tehran: Baz.

Attarzadeh, Abdolkarim, 2017, A Book Series of Art in Islamic Civilization (Craft Arts), Tehran: Samt.

Bayat, Azizallah, 2009, Generalities of Comparative History of Iran, Tehran: Amirkabir.

Carboni, Stefano & David Whitehouse, 2001, Glass of the Sultans, New York: The Metropolitan.

Carboni, Stefano, 2001, Glass from Islamic Lands, UK: Thames & Hudson.

Dimand, Maurice Sven, 1958 C 1944, A Handbook of Muhammadan Art, Tehran: Elmi-farhangi.

Fukai, Shinjy, 1992, Iranian Glass, Tehran: Miras Farhangi.

Gluck, Jey, 1997, Survey of Persian Art, Tehran: Bank Melli.

Goldmann, Lucien, 1990, Formative Criticism, Tehran: Bozorgmehr.

Khadish, Pegah, 2012, Morphology of Iranian magical legends, Tehran: Elmi-farhangi.

Goldstein, Sidney M, 2008, Glass from Sasanian antecedents to European imitation, Tehran: karang.

Kroger, Jens, 1995, Nishapur Glass of the Early Islamic Period, New York: The Metropolitan Museum of Art.

Kuhnel, Ernest, 2005, Islamic Art, Tehran: Tous.

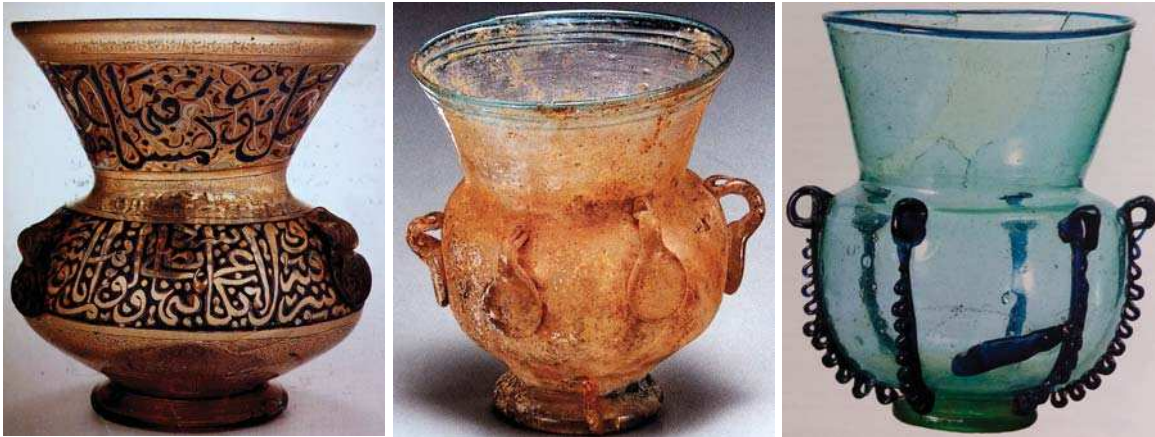
Maatoufi, Asadollah, 2014, Pottery and Glass of the Historical City of Gorgan (Jorjan), Tehran:

Morphological Comparative Study of Glass Chandeliers in Iran and Egypt during the 3rd-7th Centuries (AH)

Masoumeh Zamani SaadAbadi, Ph.D Candidate, Department of Advanced Studies in Art, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Famously Shamili (Corresponding Author), Associate Professor, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Received: 2021/02/22 Accepted: 2021/07/10



Glassmaking, as one of the valuable arts of Iran and Egypt, dates back to several thousand years ago. It entered into a new stage during the Islamic period with a rich historical and artistic background, so that the 3rd-7th centuries AH are considered as one of the most important eras of glassmaking in the Islamic period of Iran and Egypt. Iranian glassmaking in the Islamic period evolved while preserving and continuing the techniques of glass making and decorating of the previous era. Meanwhile, Egypt has been one of the main centers of glassmaking, and the ancient Egyptians were among the most prominent and skilled glassmakers in the world, but the peak of this art and craft took place in Egypt during the Islamic centuries. Despite the rich history of Iranian and Egyptian glass art, studies in this field have received less attention. Therefore, the present study is a comparative study of the sample glass chandeliers from the Islamic period of Iran and Egypt.

Egypt is one of the countries in constant interaction with Iran; both of which have influenced each other in various fields. These interactions and influences in different historical periods have increased or decreased according to the governing conditions. The vital role of the Silk Road and the road's ending at the shores of the Mediterranean Sea as well as Egypt, the transfer of artworks, and the migration of artists, caused an extensive relation in various economic, cultural and artistic fields between two countries from the beginning of Islam until the 6th-7th centuries AH.

Also, the role of Bandar-e Siraf and the trade of glassware through the Red Sea between Iran and Egypt cannot be overlooked. Iran and Egypt, as the pioneers in the art of glassmaking, have made a great contribution to its advancement in the Islamic period. The purpose of this research is recognizing part of the glassworks of these countries and achieving their similarities and contrasts by focusing on the elements that have built up the form and overall structure of the components, patterns and ornaments under the title of morphology which is a science in the field of literary studies; currently used in other fields including art studies. The Russian researcher and anthropologist, Vladimir Propp first coined the term morphology. Morphology literally means studying and recognizing shapes and faces. That is the study of the components of an object and their relationship to each other and to the whole structure of that object. Morphology does not only mean determining the form and shape of works, but it also generalizes to recognizing and classifying works, determining the fixed